

نگرش ساکنین از ابعاد مسکن روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه)^۱

نوذر قنبری

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مهدی رمضان زاده لسبویی^۲

عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

جعفر معصوم پور سماکوش

عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۴/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۴

چکیده

واحد مسکونی مکان، فضا و یا محوطه ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی راه داشته باشد. مسکن در کنار پوشاک، خوراک یکی از نیازهای ضروری زندگی بشری است. در نواحی روستایی با توجه به ماهیت متفاوت مسکن و کارکرد چند منظوره آن مسکن روستایی باید دارای ویژگی‌هایی باشد هرچند شکل مسکن در بسیاری از مناطق روستایی تابعی از اقلیم، پوشش گیاهی و موقعیت سکونت‌گاهی می‌باشد. در همین راستا این تحقیق با هدف ارزیابی معیار مسکن از دیدگاه صاحبان آن در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه صورت گرفته است. روش تحقیق از نوع پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه می‌باشد که اطلاعات جمع‌آوری شده در قالب پرسش‌نامه با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های مستخرج از تحقیق حاکی از آن است که ساکنین از استحکام و مقاومت مسکن در برابر بلایا رضایت ندارند این وضعیت در مورد معیارهای سیستم گرمایشی و سرمایشی و طراحی و چشم انداز مسکن هم صادق است در مقابل از بهداشت محیط مسکن خود رضایت دارند. یافته‌های دیگر حاکی از آن است که از بین معیارهای مرتبط با مسکن مناسب، مقاومت بنا در برابر بلایا در اولویت اول و بهداشت محیط، مساحت و اندازه مسکن، نمای ظاهری، معماری جدید و استفاده از مصالح بومی در اولویت‌های بعدی قرار دارد.

واژگان کلیدی: مسکن روستایی، ابعاد مسکن، مسکن مطلوب، ارزیابی، نواحی روستایی، بخش مرکزی، کرمانشاه

۱- این مقاله بر گرفته از طرح پژوهشی با عنوان ارزیابی شاخص‌های مسکن پایدار در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه است که با حمایت‌های مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه تهیه شده است.

Mehdi_ra_1361@yahoo.com

۰۹۱۲۶۳۴۳۱۰۸

۲- مهدی رمضان زاده لسبویی

مقدمه

مسکن به عنوان یک کالای بادوام، غیر منقول، ضروری، ناهمگن، چند بعدی، دارای پیامدهای جنبی، ارزش سرمایه‌ای، ارتباطات پسین و پیشین، سهم زیادی در ایجاد اشتغال و بودجه خانوارها دارد. مالکیت مسکن و کیفیت آن آسایش و رفاه خانوادگی، کمک به رشد اقتصادی، افزایش ثروت خانوارها، تشخص و منزلت اجتماعی، موقعیت تحصیلی فرزندان، کاهش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، مشارکت مدنی، و ثبات همسایگی را به همراه دارد (قادری و همکار، ۱۳۸۱).

مسکن، بعد از خوراک و پوشاک از اساسی‌ترین نیازهای اولیه انسان است. تامین مسکن می‌تواند از بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی خانوار بکاهد به طوری که گزارش جهانی اسکان بشر در سال ۱۹۹۶ از مفهوم فقر سکونت به جای فقر درآمد استفاده می‌کند یعنی افراد و خانوارهایی که فاقد پناهگاه‌های امن، مطمئن و بهداشتی با امکانات و زیرساخت‌های اساسی مانند آب لوله‌کشی و امکانات بهداشتی کافی، و وسایل دفع زباله هستند در این دسته قرار می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۸۰، ص ۱).

مسکن به معنای عام کلمه تجسم فضایی آرمان‌ها، ایده‌ها و عملکردهای انسانی است و نقش ارزش‌مندی در ثبات خانواده، رشد اجتماعی و اقتصادی دارد و در واقع مسکن یک نیاز است نه یک خواسته (عبدی قهرودی، ۱۳۸۵، ص ۱). مسکن مناسب به فضا یا مکانی گفته می‌شود که بتواند زمینه لازم برای رشد فردی و جمعی هر یک از افراد خانواده یا خانوار را فراهم کند به نحوی که آن‌ها بتوانند بر حسب نیازهای روحی و روانی خود و نوع فعالیت مورد نظر حریم لازم را بیابند (هادی زاده، ۱۳۸۵، ص ۱)، در طول تاریخ شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی متأثر از عوامل طبیعی - اکولوژیک و اجتماعی و اقتصادی و خانه‌ها تجلی گاه فرهنگ و شیوه زندگی هستند (سعیدی و همکار، ۱۳۷۵، ص ۳).

بر اساس تعریف مرکز آمار ایران، واحد مسکونی مکان، فضا و یا محوطه‌ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی راه داشته باشد (حبیب، ۱۳۸۳، ص ۱۵)، به هر جهت امروزه تقاضا برای مسکن مناسب در حال افزایش است (Shucksmith, 2003, pp10-11). مسکن مناسب در واقع مسکن پایدار است که دارای ویژگی‌های، آسایش مناسب، فضای مناسب، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابلیت دسترسی از نظر کار را دارا می‌باشد (دفتر اقتصاد مسکن، ۱۳۷۵، ص ۲۰).

نواحی روستایی با توجه به ماهیت تولیدی خود وابستگی زیادی به مسکن دارند برای این‌که در نواحی روستایی مسکن علاوه بر نقش سرپناه بودن دارای کارکردهای دیگری مانند محل نگهداری دام و محصولات تولید شده، مکانی برای فعالیت‌های اقتصادی مانند فرآوری محصولات تولیدی کشاورزی هم است، از طرف دیگر امروزه با توسعه ارتباطات مسکن تا حد زیادی در نواحی روستایی به لحاظ شکل ظاهری، طراحی درونی و تعداد طبقات تغییر کرده است. در همین راستا این تحقیق در پی بررسی مسکن روستایی در نواحی روستایی بخش مرکزی کرمانشاه و ارزیابی معیارهای مسکن مناسب از دید جامعه نمونه می‌باشد.

روش تحقیق

روش این تحقیق از نوع پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه است. مسکن به عنوان متغیر مستقل و ابعاد و شاخص‌های مسکن در دو وضعیت ایده آل و وضع موجود به عنوان متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده اند. این تحقیق در راستای پاسخ گویی به دو سوال اصلی زیر صورت گرفته است:

۱. شاخص‌های مرتبط با مسکن مناسب در منطقه مورد مطالعه چگونه است؟
۲. معیارهای مرتبط مسکن مناسب بر اساس اولویت، از دیدگاه روستاییان نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه چگونه است؟

بدین منظور کل جامعه آماری به روش نمونه گیری طبقه ای نسبی با حجم نمونه ۳۰۰ نفر (روش کوکران) مورد پرسش قرار گرفت. در این تحقیق ضریب الفای کرونباخ برابر با ۰/۷۸ برآورد شده است.

برای درک متغیرها بعد از مرور و مطالعه مبانی اندیشه ای و با توجه به شناختی که از وضعیت مساکن در منطقه مورد مطالعه وجود داشت به صورت گویه‌هایی در قالب پرسش نامه تنظیم و در اختیار جامعه نمونه قرار گرفت. براساس هدف تحقیق و بررسی اولیه میدانی، به منظور تحلیل و استنتاج، بسته به نوع داده، مقیاس متغیرها و اهداف مورد نظر از روش آماری توصیفی نظیر فراوانی، درصد و میانگین رتبه پاسخ‌ها، همچنین برای درک شکاف و تفاوت بین معیارهای مسکن در شرایط وضع موجود و ایده آل از دید روستاییان از آزمون تفاوت ویل کاکسون^۱ استفاده شده است.

منطقه مورد مطالعه در این تحقیق نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه می‌باشد، بررسی آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که در مجموع ۵۸۵۸۹ نفر معادل ۱۳۵۰۶ خانوار روستایی در بخش مرکزی استان کرمانشاه زندگی می‌کنند. بررسی روند تحولات جمعیتی در سطح سکونت‌گاه‌های روستایی بخش مرکزی مبین افزایش نرخ رشد جمعیت روستایی در این بخش از استان کرمانشاه است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

مبانی نظری

مطالعات زیادی در رابطه با کارکرد مساکن با رویکردهای مهندسی، اقتصادی و اجتماعی، مصرف انرژی، تغییر اقلیم و حتی روان شناختی در جهان صورت گرفته است.^۲ در آن مطالعات این نکته دارای اهمیت است که یک مسکن فضایی است که شخص عمر خود را در آن سپری می‌کند. در مسکن نیازهای اساسی انسان برآورده می‌شود، لذا بر کیفیت زندگی انسان اثر گذاشته و می‌تواند با ضمانت زندگی به طور صحیح در ارتباط قرار گیرد (European housing review, RICS, 2007, Maliene, 2008, p1).

در سال ۱۹۹۲ پژوهشی با عنوان مسکن و ثروت در مناطق روستایی چین توسط تری مکن لی و لی نا وانگ^۳ در موسسه اقتصاد روستایی چین صورت گرفت که در آن بیش از ۶۰ درصد از پاسخ گویان اعتقاد داشتند که مسکن

² Grigoletti, Sattler and Morello, 2008, Tenorio, 2007, Zimmermann, 2005, Oktay, 2002, Tiwari, 2000, Hanrahan, 2008, Ornetzeder, 2007, Maliene, Mendonca, 2007, Smeds, 2007 and Isik, 2008

³ - Terry McKinley with Li Na Wang

تنها ثروت و دارایی با ارزش آن‌ها به شمار می‌آید (McKinley and Wang, 1992, p2). هم‌چنین در سال ۱۹۹۷ تیرکوگلو میزان رضایت از کیفیت مسکن در مناطق روستایی را مورد بررسی قرار داد او در مطالعه خود شش عامل را مطرح کرد که می‌تواند سطح رضایت افراد از مسکن را فراهم آورد:

۱- اندازه و شرایط فیزیکی مسکن

۲- دسترسی به مرکز شهرستان، محل کار، بیمارستان، خرید و مرکز خدمات

۳- دسترسی به مراکز تفریحی و آموزشی

۴- ابعاد اجتماعی و جسمی و مشکلات زیست محیطی

۵- آب و هوا کنترل هوای داخل خانه

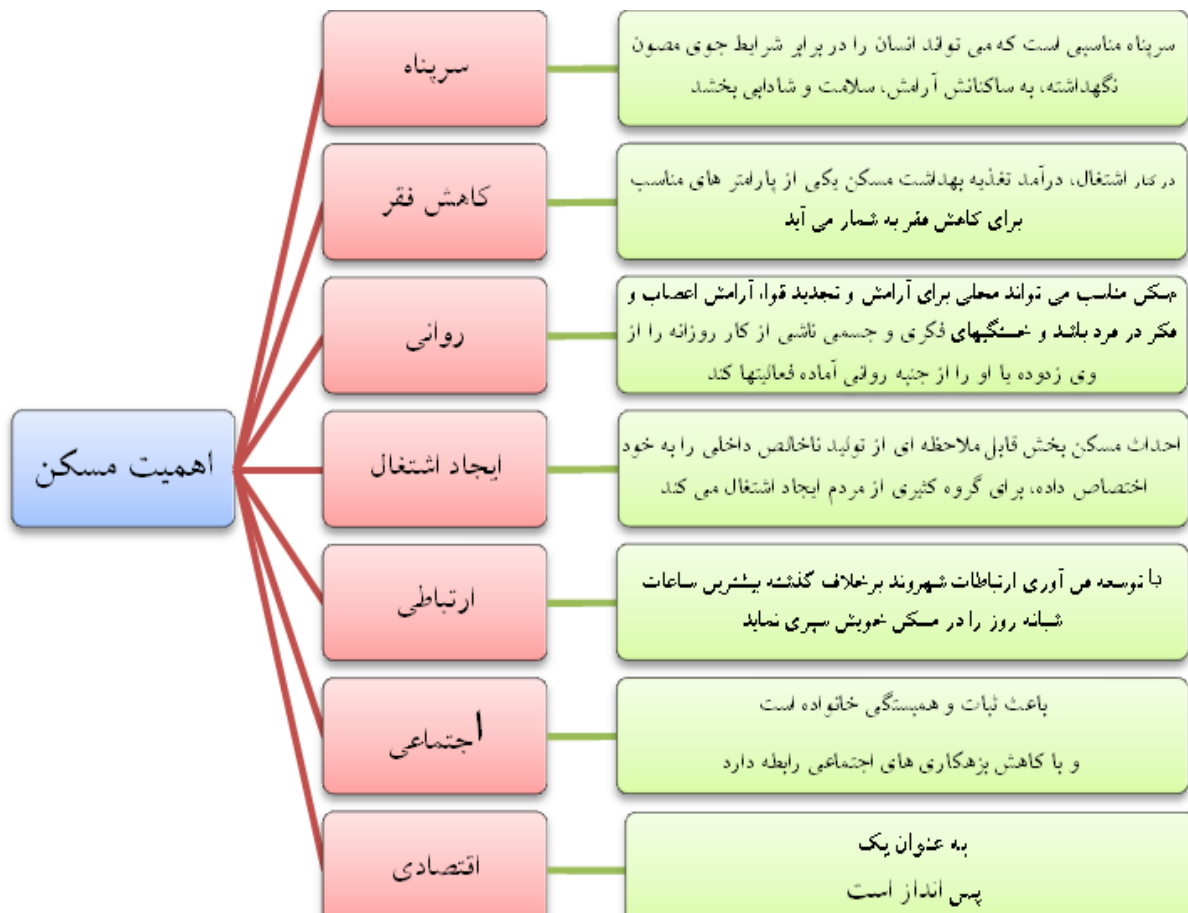
۶- رضایت‌مندی همسایه‌گان (Tiirkoglu, 1997, pp55-64).

مسکن مناسب و پایدار، به مسکن اکولوژیک و مسکن سبز مسکن با کارایی انرژی و مسکن سالم معروف است. از منظر تکنولوژی، وابستگی بین انرژی و محیط برای یک ساخت و ساز پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر از منظر مهندسی، استفاده از انرژی‌های طبیعی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در واقع مسکن مناسب و پایدار به عنوان مسکنی تعریف می‌شوند که حداقل تأثیرات منفی را بر روی محیط و مسکن داشته باشد.

مفهوم مسکن و مسکن مناسب

اجتماعات دارای محیط و فرهنگ مخصوص خود می‌باشند که فرم‌های خاص مسکن، سبک‌های معماری مختلف و طراحی‌های گوناگون مسکن را سبب می‌شوند. مسکن یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاری‌های افراد می‌باشد که یک فرد قسمت اعظم عمر خود را در آن سپری می‌نماید (Ric, 2007). مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهبود شرایط خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع در تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست بلکه کل محیط مسکونی را شامل می‌گردد. به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهزیستی انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده آن فراهم باشد (پور محمدی، ۱۳۷۹، ص ۳۰). در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است، که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود» (میره، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

مسکن از جنبه‌های گوناگونی می‌تواند دارای اهمیت باشد. شکل ۱ جنبه‌های مختلف اهمیت مسکن را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱- ابعاد گوناگون اهمیت مسکن

منبع: یافته های تحقیق

بنابراین در توجیه و بررسی مساکن روستا به عنوان جزئی از بافت کالبدی سکونت گاه روستایی بایستی به ابعاد مختلف کالبدی و اجتماعی اقتصادی آن توامان توجه نمود که شامل:

- ۱- وسعت و شکل فضای آزاد (مانند فضای حیاط و باغچه)
- ۲- ارتباط نحوه ساخت بنا و مصالح ساختمانی مورد استفاده با محیط اطراف
- ۳- شکل درونی خانهها (تعداد اتاقها و کارکرد هر یک از آنها)
- ۴- روند تکوین و گسترش سکونت گاهها
- ۵- شکل ظاهری خانهها (شیوه ساخت و معماری آنها)
- ۶- تسهیلات و امکانات خانههای روستایی
- ۷- سطح زیربنا و سطح مفید بر اساس سطح مسکونی، سطح مورد استفاده اقتصادی، سطح انبارها و مانند آن، می باشد (شمس الدینی، ۱۳۸۷، صص ۴۴-۵۰).

مساکن پایدار همانند توسعه پایدار از ابعاد سه گانه زیر قابل بررسی است:

از دیدگاه اکولوژیکی: مسکن پایدار ابتدا باید شرایط زندگی خوب و طولانی مدت را براساس کارایی و کفایت اکولوژیکی فراهم سازد. علاوه بر این توسعه پایدار مساکن باید بر اساس استفاده کارا و منطقی از منابع تجدید ناپذیر (انرژی، مصالح ساختمانی و...) پایه ریزی گردد.

از دیدگاه اقتصادی: مساکن پایدار باید رضایت‌مندی را افزایش داده و هزینه‌های غیر مستقیم همانند حمل و نقل را کاهش دهد.

از دیدگاه اجتماعی: مساکن پایدار بایستی ساخت‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و فیزیکی و روان شناسی ساکنان را در نظر بگیرد (Cai, 2004, p7).

جدول شماره ۱- ویژگی‌های مساکن پایدار

دیدگاه اجتماعی	مسکن یا آپارتمان برای خانواده، به عنوان محلی نمادین از موقعیت اجتماعی است.
دیدگاه اجتماعی-روان شناسی	مسکن محلی برای فعالیت‌های خصوصی و صمیمی است.
دیدگاه اقتصادی	مسکن یک مکان برای کسب درآمد سالانه و افزایش ارزش افزوده است.

Source: Gondring H, Lammel E., 2001

به عبارتی دیگر ابعاد جزئی تر مساکن مطلوب را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

- باد و تأثیرات محیطی آن: که شامل محدود کردن سرعت باد در محیط‌های ساخت و ساز شده در زمستان و تهویه باد در تابستان می‌باشد.

- تهویه آلودگی‌ها و از بین بردن آن‌ها به وسیله تهویه طبیعی: بسیاری از ساکنان خانه‌ها در خانه‌هایشان از گازها برای گرم نگه داشتن مساکن خود در زمستان استفاده می‌کنند و گازهای زیادی را از پنجره آشپزخانه خود به بیرون منتقل می‌کنند که ممکن است آلودگی در اطراف خانه‌ها متمرکز شده و مشکل ایجاد کند.

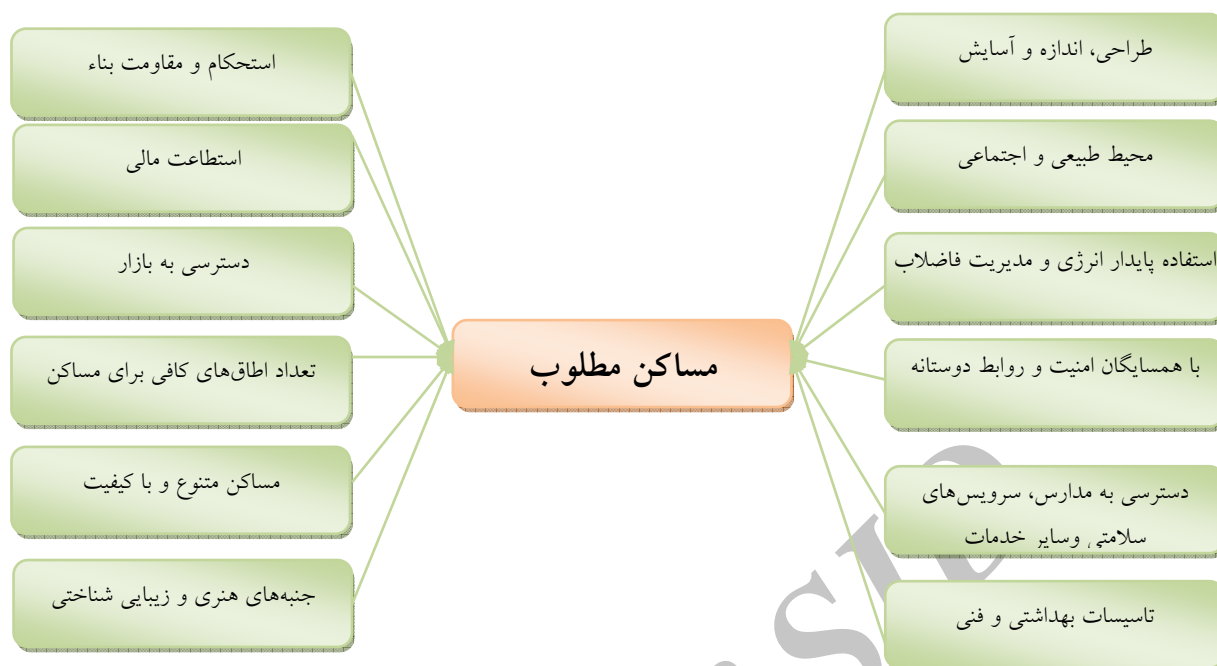
- گرمای محیطی خارج از خانه در محدوده سکونت به این معنی است که چطور تأثیر فواره‌ها، طراحی باغچه‌ها و مصالح سقف‌ها، دیوارها و جزایر حرارتی اطراف ساختمان‌ها به خوبی مورد ارزیابی قرار گرفته و مدیریت گردند.

- روشنایی: تابش روزانه بایستی برای همه فضاهای زندگی مخصوصاً در روزهای زمستانی تهیه شود.

- آلودگی صوتی و صداهای ناهنجار: بایستی آلودگی‌های مساکن به حداقل برسد.

اگر بخواهد مساکن پایدار شکل بگیرد باید مجموعه‌ای از عوامل تکنولوژیکی مرتبط با شاخص‌های کیفیت محیط بیرونی، عوامل مربوط با گرمایش ساختمان، کیفیت هوای درون خانه‌ها و سیستم انرژی و غیره به همراه فرایند طراحی درون خانه‌ها در نظر گرفته شود (Yingxin and Borong: 2004, p1289)

هدف از ایجاد و توسعه مساکن پایدار به حداقل رسانیدن آسیب‌های محیطی و تا حد ممکن بهبود کیفیت محیطی می‌باشد. موضوعات مورد توجه مساکن پایدار شامل انرژی، ترافیک، منابع آب، مصالح ساختمانی، فاضلاب، سلامتی و حیات جانوری و گیاهی و موارد مرتبط با برنامه ریزی، طرح ریزی، ساخت و ساز و تخریب در مواقع ضروری می‌باشد (Van hal, 1998, p47). در واقع مساکن پایدار باید در دسترس بوده، قابلیت تطابق از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، هزینه‌ها و سایر نیازهای فردی را باید برای ساکنان خود داشته باشند (Tuohy, 2004, p7).



شکل شماره ۲- جنبه‌های مختلف مسکن مطلوب و مناسب

منبع: سلمانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸

رویکردهای برنامه ریزی روستایی با تاکید بر نقش مسکن

رویکرد سکونت‌گاه کلیدی

این رویکرد تاریخی به برنامه ریزی مساکن روستایی اغلب در کشور انگلستان مورد پذیرش قرار گرفته است اما در شکل گیری روش‌های برنامه ریزی در ایرلند نیز تأثیرگذار بوده است. سیاست سکونت‌گاه کلیدی (روستاهای منتخب) شامل شناسایی شهرها و روستاهای منحصر به فردی است که برای توسعه انتخاب شده اند، نظریه ای که در پشت این سیاست قرار دارد این است که صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس تا زمانی قابل دسترس است که آستانه‌های طبیعی برای برخی خدمات وجود دارند. گیلج^۱ (۱۹۹۶) در مقاله ای انتقادی در زمینه رویکرد سکونت‌گاه‌های کلیدی، چنین ادعا می‌کند که: سیاست روستاهای انتخابی اثرات بیشتری روی نواحی روستایی تحت فشار نسبت به روستاهای با رشد کند یا رشد منفی دارد. وی اشاره می‌کند این سیاست‌ها به جای این‌که مشوق توسعه پیشاهنگ در نواحی کم جمعیت باشند تنها در نواحی می‌توانند اثرگذار باشند که آن نواحی طرح توسعه پیشنهادی داشته باشند.

نمونه ای از سیاست روستاهای انتخابی را می‌توان در طرح توسعه روستایی شهرستان وست میس (۲۰۰۸-۲۰۰۲) مشاهده کرد. وست میس تحت فشار فزاینده رشد ساخت و ساز مسکن در دوبلین (پایتخت ایرلند) قرار دارد و به عنوان کمربند سفر روزانه از شهر به حومه و بالعکس عمل می‌کند و شاهد ادامه گسترش شهرستان می‌باشد. در این زمینه سیاست مقامات محلی این است که توسعه جدید را به داخل شهرها و روستاهای یکپارچه کانال کشی کنند و

¹ Gilg

در حالی که اجازه توسعه مسکونی را در خارج از این مراکز می‌دهند، تنها به افرادی که در کشاورزی و دیگر مشاغل مرتبط با روستا فعالیت می‌کنند و یا به افرادی که دارای روابط خویشاوندی، شخصی و اقتصادی نزدیکی در این نواحی هستند، اجازه ساخت مسکن صادر می‌شود.

رویکرد مبتنی بر خوشه یا روستا

این رویکرد در برخی از کشورهای اروپایی رایج می‌باشد و ناپایداری رویکرد سکونت‌گاه‌های کلیدی را نشان می‌دهد. این رویکرد با حالت پراکنده و به جای متراکم کردن توسعه مسکونی در روستاهای انتخابی، همراه با یک سیاست سکونت‌گاهی کلیدی، محدود کردن ساخت و ساز مسکن در حومه‌های باز به وسیله توسعه ساخت و ساز مسکن جدید را مورد هدف قرار می‌دهد تا این مسکن در هر روستا و یا در هر قسمتی از خوشه مسکن روستایی موجود با هدف اصلی حفاظت از چشم انداز مورد توجه قرار می‌گیرد. یک مثال در این زمینه را می‌توان طرح توسعه شهرستان میس دانست. این طرح در جستجوی آن بود تا توسعه مسکن منفرد و پراکنده در حومه‌های باز را از طریق شناسایی و تشویق توسعه در ردیف سکونت‌گاه‌های کوچک‌تر محدود سازد که در محل تقاطع روستاها و خوشه‌ها قرار گرفته‌اند. (در اصطلاح محلی به آن 'Graigs' می‌گویند) به کار بردن آن برای توسعه محلی، مشکلاتی را برای نیازهای ساخت مسکن محلی بدنبال دارد (Meath County Council, 2001).

رویکرد مبتنی بر چشم انداز

این رویکرد به مدیریت سکونت‌گاه‌های روستایی، به تصمیم‌گیری در زمینه کاربری اراضی مبتنی بر خصوصیات چشم انداز طبیعی می‌پردازد و به طور کلی محدودیت شدیدی را در چشم اندازهای خوش منظر و با ارزش قائل می‌شود. برای مثال سیاست ساخت مسکن روستایی در طرح توسعه شهرستان دانگال در سال ۲۰۰۰ بر سه طبقه چشم انداز زیر مبتنی بوده است:

"چشم اندازهای طبقه سه" چشم اندازهای دارای ارزش بالا" در شهرستان هستند که ظرفیت پایینی در جذب مسکن جدید دارند. در این نواحی، پیش فرضی را در مقابل مجوز برنامه ریزی برای اعضای خانواده‌هایی که دارای دسترسی بلافاصل در نواحی محلی هستند وجود خواهد داشت که این افراد ممکن است مسکن را برای استفاده خود بسازند.

"چشم اندازهای طبقه دو" دارای شخصیت منحصر به فردی در شهرستان دونگال" هستند. در این طبقه برای اعطای مجوز ساخت مسکن برای جمعیت بومی وجود دارد، اما پیش فرضی در مقابل ساخت خانه‌های تعطیلات و توسعه قماری وجود دارد.

"چشم اندازهای طبقه یک معمولاً" نواحی کشاورزی و زمین‌های کم ارزش" که کمتر بر آن‌ها فعالیتی صورت می‌گیرد را در برمی‌گیرد. در این نواحی، پایداری بیشتری در کاربرد برنامه ریزی عادلانه به چشم می‌خورد (Donegal County Council, 2001).

بنابراین، در نواحی روستایی مسکن به عنوان یک چشم انداز، یک منبع بصری و یک محیط سازگار تعریف می‌شوند. تا زمانی که این رویکرد بر روی حفاظت از چشم اندازهای خوش منظر متمرکز است، اهمیت کمتری به

مفاهیم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی روستایی داده می‌شود و اغلب به "گسیختگی" بین سیاست‌های برنامه ریزی محلی و اهداف وسیع توسعه روستایی منجر می‌شود (scoot,2004,p36).

رویکرد زیبایی‌شناختی

سیاست‌های برنامه ریزی محلی که بر کنترل‌های مکانی، آرایش مکانی و طراحی تأکید می‌کنند، معمولاً به منظور مخاطب قرار دادن موضوع کیفیت مسکن روستایی نسبت به کمیت شان تنظیم می‌شوند. این رویکرد مشخص می‌کند که ساخت مسکن روستایی هم‌چنان به عنوان مشخصه مرکزی الگوهای سکونت‌گاه‌های روستایی ادامه پیدا خواهند کرد و بنابراین بر موضوعات وابسته به طراحی تأکید می‌کنند تا اثرات بصری توسعه جدید را کاهش داده و ادغام مسکن جدید را در چشم انداز ممکن سازند. سال‌های اخیر شاهد استفاده روزافزون از رهنمودهای طراحی برای مسکن روستایی بوده ایم (برای مثال در نواحی روستایی اطراف شهرستان‌های کرک^۱، گالوی^۲ و دونگال^۳) که بر سنت‌های ساخت و ساز محلی، شامل مصالح ساختمانی، طراحی ساختمانی و "عمل خوب" و به اصطلاح موقع و آرایش مکانی تأکید می‌کند. احتمالاً این رویکرد در مقایسه با رهنمودهای ساخت مسکن روستایی پیش پا افتاده تر است. به هر حال ترسیم تجارب ساخت مسکن روستایی در اروپا که از مجموعه رهنمودهای طراحی مسکن از دهه ۱۹۸۰ اقتباس می‌شود (Sterrett,2003,p117) تعدادی از تنش‌های پیرامون این رویکردها را شناسایی کرده است. به اعتقاد اغلب طرفداران معاصر، اظهارات تحلیلی استریت^۴ حاکی از آنست که شکاف عمیقی بین رویکرد زیبایی‌شناسی و اولویت زیبایی‌شناسی ساکنین روستا (زیبایی‌شناسی مردم روستا) در رهنمودهای طراحی مسکن وجود داشته است. مسکن به سبک برون شهری اما به وسیله تعدادی از گروه‌ها و برنامه‌ریزان حرفه‌ای و به صورت نامناسب برای حومه در نظر گرفته شده است. در این زمینه کنترل‌های زیبایی‌شناسایی، به ما این اطمینان را خواهد داد که بقایای مسکن روستایی تا حدود زیادی مسئول پیامدهای سیاسی-اجتماعی نواحی روستایی هستند. (Scott,2007,p344).

افتراق بین ساخت مسکن شهری و روستایی

در ادامه تمایز بین مسکن ساخته شده در شهر و روستا در وضعیت موجود، و انعکاس آن در سطوح محلی طرح‌های توسعه که توسط استراتژی ملی فضایی (NSS) و راهبردهای ساخت مسکن روستایی منتشر شده است آورده می‌شود. این تمایز معمولاً از طریق اتصال شرایط برنامه ریزی به اعطای اجازه برنامه ریزی به اجرا گذاشته می‌شود (Scott,2007,p360). به عنوان مثال در نواحی روستایی تحت تأثیر فشار شهری، اجازه برنامه ریزی به اشخاصی که بخش درونی و اصلی جامعه روستایی هستند اعطا خواهد شد. به هر حال اعمال تغییرات در شرایط موجود و در بین تمام مسئولین برنامه ریزی به: ۱- چگونگی تعریف مسکن ساخته شده توسط مقامات محلی ۲-

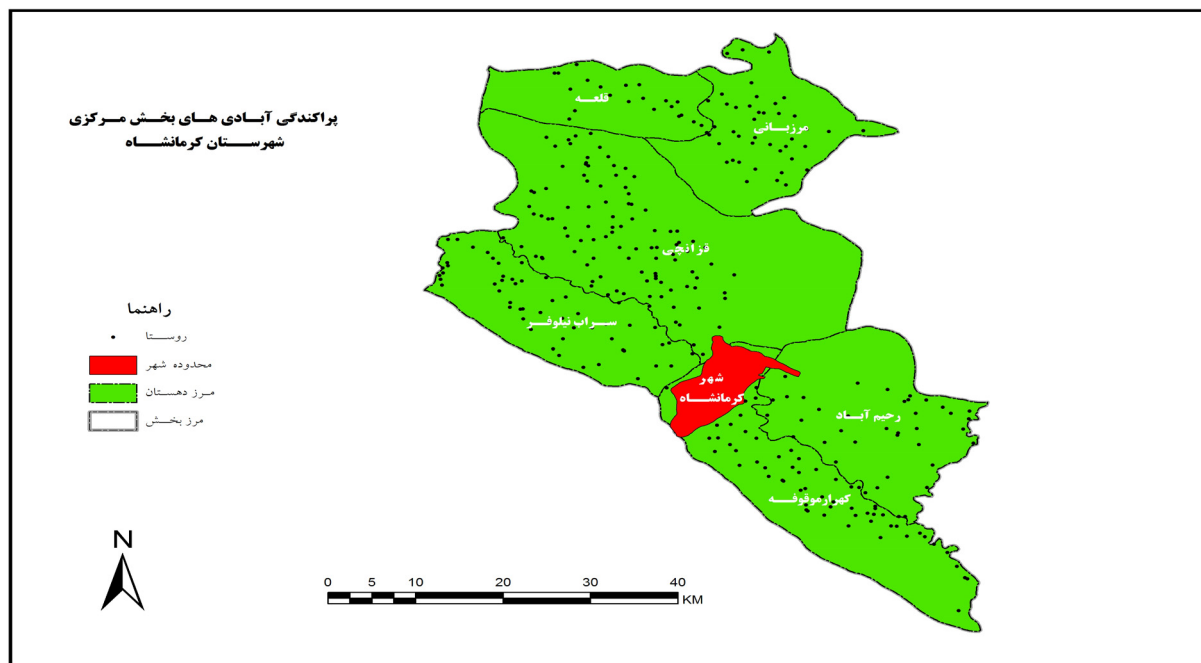
¹-Cork

²- Galway

³- Donegal

⁴-Street

کنترل اشغال مسکن از طریق شرایط برنامه ریزی که به‌وسیله مسئولین محلی بکار می‌رود و ۳- سطح اجرای شرایط اشغال بستگی دارد.



شکل شماره ۲- نقشه منطقه مورد مطالعه

ترسیم: نگارنگان

مسکن در منطقه مورد مطالعه

بر اساس آمارهای مستخرج از مرکز آمار در سال ۱۳۸۵ تعداد ۱۵۴۴ واحد مسکونی در بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه، مساحت منزل مسکونی آن‌ها ۵۰ و یا کمتر از ۵۰ متر مربع می‌باشد، هم‌چنین تعداد ۲۱۵۷ واحد مسکونی مساحت آن‌ها ۵۱ تا ۷۵ متر مربع، ۱۸۷۹ واحد مسکونی بین ۷۶ تا ۸۰ متر مربع، ۲۹۳۷ بین ۸۱ تا ۱۰۰ متر مربع، ۲۱۲۳ متر مربع ۱۰۱ تا ۱۵۰ متر مربع، ۵۷۴ واحد مسکونی بین ۱۵۱ تا ۲۰۰ متر مربع، ۲۰۰ واحد مسکونی بین ۲۰۱ تا ۳۰۰ متر مربع، ۵۱ واحد مسکونی هم بین ۳۰۱ تا ۵۰۰ متر مربع و در نهایت ۱۶ واحد مسکونی هم بیش از ۵۰۱ متر مربع زیر بنا دارند (جدول ۲).

جدول شماره ۲- ابعاد و ویژگی‌های مسکن در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه

شهرستان	کرمانشاه
بخش	مرکزی
مساحت زیربنا ۵۰ متر و کمتر	۱۵۴۴
مساحت زیربنا ۷۵ تا ۵۱	۲۱۵۷
مساحت زیربنا ۸۰ تا ۷۶	۱۸۷۹
مساحت زیربنا ۱۰۰ تا ۸۱	۲۹۳۷
مساحت زیربنا ۱۰۱ تا ۱۵۰	۲۱۲۳
مساحت زیربنا ۱۵۱ تا ۲۰۰	۵۷۴
مساحت زیربنا ۲۰۱ تا ۳۰۰	۲۰۰
مساحت زیربنا ۳۰۱ تا ۵۰۰	۵۱
مساحت زیربنا ۵۰۱ و بیشتر	۱۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

یافته‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات میدانی از دو روش آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. ابتدا با استفاده از آمار توصیفی به توصیف اطلاعات جمع آوری شده اعم از سن، جنس و سطح درآمد و تحصیلات آن‌ها از درصد پاسخ‌ها و برای درک سطح اختلاف معناداری از آزمون ویل کاکسون استفاده گردیده است. بررسی یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی بیان‌گر آن است که ۱۱ درصد از پاسخ‌گویان، کمتر از ۳۰ سال، ۳۶.۶ بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۲۳.۹ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۸.۷ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال و در نهایت ۹.۷ درصد بیشتر از ۶۰ سال سن دارند. هم‌چنین یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که ۹۸.۳ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۱.۷ درصد زن می‌باشند. امروزه سطح سواد و آگاهی روستاییان در فرایند برنامه ریزی برای توسعه پایدار روستاها بسیار مهم می‌باشد به همین دلیل در این پژوهش سطح سواد به عنوان یک پارامتر مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی بیان‌گر آن است که ۲۵.۷ درصد بیسواد، ۳۱ درصد دارای سطح سواد ابتدایی، ۱۶.۷ درصد دارای سطح سواد راهنمایی، ۲۳.۷ درصد دارای دیپلم، ۱.۳ درصد فوق دیپلم و تنها ۱.۷ درصد دارای مدرک لیسانس و بالاتر می‌باشند. مالکیت مساکن در نواحی روستایی یکی از شاخص‌های مهم می‌باشد هرچند امروزه در نواحی روستایی در سراسر کشور کمتر از شهرها پدیده اجاره رواج دارد اما در سال‌های اخیر در روستاهای نزدیک شهر گاهاً این پدیده به چشم می‌خورد، برای نمونه در این تحقیق همان‌طوری که اطلاعات جدول (۳)، نشان می‌دهد ۲۹۳ نفر از ۳۰۰ پاسخ‌گو و یا به عبارتی ۹۷.۳ درصد از پاسخ‌گویان دارای مسکن شخصی و تنها ۲.۳ درصد از پاسخ‌گویان دارای مسکن استیجاری می‌باشند.

جدول شماره ۳- مالکیت مساکن

مالکیت	فراوانی	درصد
شخصی	۲۹۳	۹۷.۷
استیجاری	۷	۲.۳
کل	۳۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های میدانی

جنس درب و پنجره در مساکن روستایی امروزه به شیوه‌های مختلفی دیده می‌شود بررسی تاریخی موضوع ثابت می‌کند که در گذشته‌های نزدیک جنس بیشتر مساکن از چوب و مصالح بومی موجود در منطقه بوده اما امروزه این گونه نیست و بیشتر درب و پنجره‌های مساکن امروزه از جنس آهن و آلومینیوم می‌باشد به طوری که ۸۱ درصد از پاسخ‌گویان اعلام داشتند که جنس درب و پنجره مساکن آنان از آهن، ۶ درصد چوب و ۱۳ درصد آلومینیوم می‌باشد (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴- جنس درب و پنجره مساکن جامعه نمونه در بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه

جنس	فراوانی	درصد
آهن	۲۴۳	۸۱
چوب	۱۸	۶
آلومینیوم	۳۹	۱۳
کل	۳۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های میدانی

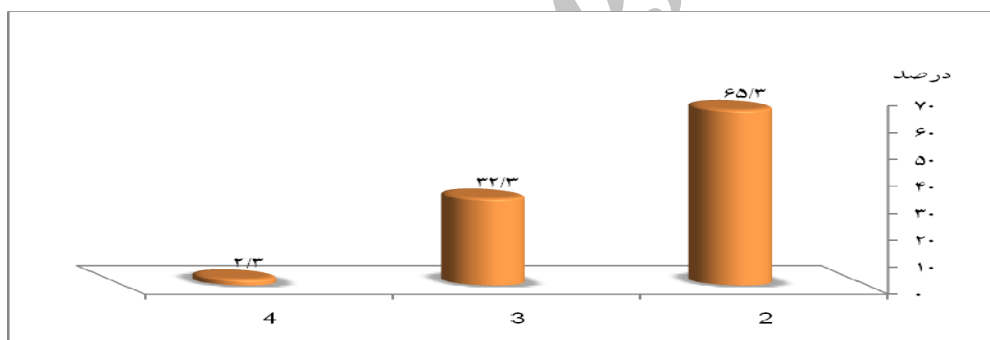
سطح زیر بنا یکی از معیارهای مهمی است که در ساخت مساکن روستایی پیوسته مورد توجه قرار می‌گیرد. بررسی سطح زیر بنا مساکن در اختیار روستاییان بیان‌گر آن است که ۱.۷ درصد از پاسخ‌گویان زیر بنای مساکن آنان کمتر از ۵۰ متر است، این در حالی است که ۱۳ درصد از پاسخ‌گویان اعتقاد دارند که زیر بنای مسکن شان ۱۰۰ متر مربع می‌باشد و در نهایت تنها ۰.۳ یعنی فقط یک نفر از کل جامعه پاسخ‌گویان زیر بنای مسکن شان بیش از ۲۰۰ متر مربع می‌باشد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵- سطح زیر بنا مساکن روستاییان در منطقه مورد مطالعه

درصد	فراوانی	زیربنا
۲۴.۸	۷۴	کمتر از ۷۰ متر
۵۶.۳	۱۶۹	۷۱ تا ۱۰۰
۱۸.۹	۵۷	بیش تر از ۱۰۰ متر
۱۰۰	۳۰۰	کل

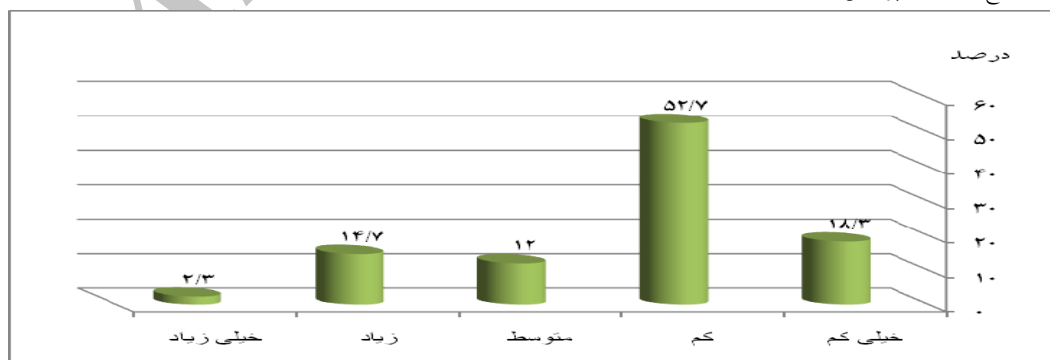
منبع: یافته‌های میدانی

بررسی تعداد اتاق‌های در اختیار جامعه نمونه نشان دهنده آن است که بیشتر ساکنین در نواحی روستای بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه دارای دو اتاق می‌باشند به طوری که بر اساس یافته‌های مستخرج از پرسش نامه ساکنین ۶۵.۳ درصد از کل پاسخ‌گویان دارای دو اتاق، ۳۲.۳ درصد دارای سه اتاق و ۲.۳ درصد هم دارای چهار اتاق می‌باشند (نمودار ۱).



شکل شماره ۱- تعداد اتاق در اختیار جامعه نمونه

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل شماره ۲- میزان رضایت کلی از وضعیت مسکن

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحلیلی

رضایت مندی از معیارهای مسکن مناسب

بر اساس مطالعات اولیه و مطالعه مبانی نظری مرتبط با معیارهای مساکن مطلوب در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه از دید ساکنین مورد بررسی قرار گرفت که برای ارزیابی و درک نگرش روستاییان از معیارهای مسکن از آزمون تک نمونه ای تی ۱ استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز برای سنجش هر یک از معیارهای منتخب بر اساس ادبیات موجود در قالب چند گویه جمع آوری شده است برای نمونه معیار استحکام و مقاومت در برابر بلایا از ۵ گویه، و برای معیار بهداشت محیط از دو گویه استفاده شده است. در این راستا فرض H_0 بر نامناسب بودن این معیارها از دید جامعه نمونه اشاره دارد و در مقابل H_1 بر مناسب بودن این معیارها دخال دارد. بر اساس اطلاعات مستخرج از پرسش نامه در مورد معیار استحکام و مقاومت بیانگر آن است که این معیار در مورد مساکن جامعه نمونه در وضعیت مطلوبی قرار ندارد بطوری که میانگین پاسخ‌های بدست آمده ۱۲.۱۴ نسبت به میانه نظری یعنی عدد ۱۵ اختلاف معناداری وجود دارد از طرف دیگر سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفای ۰.۰۵ برابر با ۰.۰۰۰ می‌باشد که توافق معنادار ساکنین در این زمینه را نشان می‌دهد، بنابراین در این وضعیت فرض H_0 مبنی بر نامناسب بودن معیار استحکام مساکن در برابر بلایا را تایید می‌شود. همچنین تطبیق این یافته‌ها یا مشاهدات میدانی نگارنده گان هم وضعیت نامناسب استحکام مساکن در برابر انواع بلایا را تایید می‌کند. امروزه بهداشت و مسائل زیست محیطی در مساکن از ابعاد مختلفی دارای اهمیت است در این راستا در این پژوهش هم گویه‌های مرتبط با این معیار از دید پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار گرفت.

اما در مورد معیار بهداشت محیط مسکن با توجه به میانگین بدست آمده ۶.۸ و سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفای ۰.۰۵ یعنی ($p\text{-value}=0.317$) می‌توان ادعا کرد که هر چند بین ساکنین توافق معناداری وجود ندارد اما از وضعیت بهداشت مسکن خود رضایت دارند (جدول ۶).

جدول شماره ۶- نتایج آزمون t تک نمونه ای برای شاخص اقتصادی توسعه گردشگری

نتیجه آزمون	معیارهای مسکن					
	میانگین پاسخ‌ها	N	Test Value	T مقدار	سطح معناداری	تایید H_0
مقاومت در برابر بلایا	۱۲.۱۴	۲۹۸	۱۵	-۱۵.۰۸۲	۰.۰۰۰	تایید H_0
بهداشت محیط	۶.۸	۳۰۰	۶	۱.۰۰۲	۰.۳۱۷	رد H_0

منبع: یافته‌های میدانی

در مورد معیار طراحی و چشم انداز ظاهری که شامل طراحی داخل و بیرون خانه است، فرض H_0 بر عدم رضایت روستاییان از طراحی چشم انداز ظاهری مساکن دلالت دارد و در مقابل فرضیه H_1 بر وضعیت مناسب این معیار دلالت دارد که بر اساس یافته‌های مستخرج از پرسش نامه میانگین پاسخ به دست آمده (۱۰.۵) در برابر متوسط پاسخ‌ها رقم پایین‌تری را نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفای ۰.۰۵ یعنی برابر با ($p\text{-value}= ۰.۰۰۰۰$) می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت روستاییان از چشم انداز ظاهری مساکن شان رضایت بالایی

1-t-test

ندارند این امر در مورد دو معیار کارکرد مسکن با توجه به نیاز و سیستم سرمایشی، گرمایشی و روشنایی با میانگین پاسخ‌های به‌دست آمده ۱۰.۳۵ و ۸.۸۸ و سطح معناداری محاسبه شده ۰.۰۰۰ و ۰.۰۴۸ هم جامعه نمونه رضایت ندارند(جدول ۷).

جدول شماره ۷- میزان رضایت از ابعاد مختلف مسکن در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه

						شاخص
نتیجه آزمون	سطح معناداری	T مقدار	Test Value	N	میانگین پاسخ	
H0 رد	۰.۰۰۰	۸۵.۷۵۹	۱۲	۲۹۷	۱۰.۵	طراحی و چشم انداز ظاهری
H0 رد	۰.۰۰۰	-۱۴.۳۰۵	۱۲	۲۹۸	۱۰.۳۵	کارکرد چند منظوره متناسب با نیاز
H0 رد	۰.۰۴۸	-۱.۹۸۸	۹	۳۰۰	۸.۸۸	روشنایی، سیستم گرمایشی و سرمایشی

منبع: یافته‌های میدانی

اولویت‌های مطلوب

یکی از اهداف اصلی این پژوهش درک اولویت اهمیت متغیرهای متناسب با معیارهای مسکن مناسب در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان می‌باشد، در این راستا برای درک اهمیت و اولویت معیارهای مرتبط با مسکن مناسب در نواحی روستایی ۶ گویه وضعیت بهداشتی، استحکام و مقاومت بنا، نمای ظاهری، مساحت و اندازه مسکن، استفاده از مصالح بومی و معماری جدید استفاده شده است که یافته‌های مستخرج از پرسش نامه حاکی از آن است که استفاده از مصالح بومی با میانگین ۵.۶۷ در اولویت اول قرار می‌گیرد، همچنین وضعیت استفاده از معماری مدرن در طراحی مسکن با میانگین ۴.۱۶ در رتبه دوم، نمای ظاهری مسکن با ۴.۰۸ در رتبه سوم، رضایتمندی از اندازه و اندازه مسکن با میانگین ۳.۱۳ در رتبه چهارم، وضعیت بهداشتی مسکن هم با میانگین یافته‌های بدست آمده ۲.۱۶ در اولویت پنجم و در نهایت استحکام و مقاوم بودن مسکن در برابر بلایا و مخاطرات طبیعی مانند سیل و زلزله برابر با ۱.۸۱ می‌باشد که در بین تمامی متغیرهای موجود در بین مسکن روستایی بدترین وضعیت را دارا می‌باشد(جدول ۸).

جدول شماره ۸- نتایج آزمون فریدمن بر اساس اهمیت و اولویت معیارها از نظر ساکنین

معیارها	میانگین پاسخ‌ها
وضعیت بهداشت مسکن	۲.۱۶
استحکام و مقاوم بودن مسکن	۱.۸۱
نمای ظاهری	۴.۰۸
مساحت و اندازه مسکن	۳.۱۳
استفاده از مصالح بومی	۵.۶۷
معماری جدید	۴.۱۶
مقدار کای اسکوتر	۸۱.۷۵۶
درجه آزادی	۵
سطح معناداری	۰.۰۰۰
تعداد نمونه	۳۰۰

منبع: یافته‌های میدانی

نتیجه گیری

مسکن در کنار خوراک و پوشاک یکی از مهمترین نیازهای اولیه بشر به شمار می‌آید. نواحی روستایی هم به عنوان یکی از فضای سکونت‌گاهی از این قاعده مستثنی نیست. مسکن از جنبه‌های مختلف مانند اقتصادی، اجتماعی، سرپناه، روانی و کاهش فقر و... در نزد ساکنین روستایی دارای اهمیت می‌باشد. یک مسکن مطلوب و پایدار روستایی دارای معیارهایی مانند اندازه، ارتفاع، مقاومت مصالح، بومی بودن مصالح، طراحی داخلی، تناسب با کارکرد، چشم اندازه ظاهری، معماری مدرن و بهداشت محیط می‌باشد.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که بیش از ۹۷ درصد از ساکنین دارای مسکن شخصی هستند و ۲۴.۸ درصد از پاسخ‌گویان مساحت مسکن آن‌ها کمتر از ۷۰ متر، ۵۶.۳ درصد از جامعه آماری مساحت مسکن آن‌ها بین ۷۱ تا ۱۰۰ متر و در نهایت ۱۸.۹ درصد از پاسخ‌گویان هم زیر بنای مساکن آن‌ها بیش از ۱۰۰ متر مربع است. هم‌چنین یافته‌های حاکی از آن است که ساکنین از استحکام و مقاومت مسکن در برابر بلایا رضایت ندارند این وضعیت در مورد معیارهای سیستم گرمایشی و سرمایشی و طراحی و چشم انداز مسکن هم صادق است در مقابل از بهداشت محیط مسکن خود رضایت دارند.

یافته‌های دیگر حاکی از آن است که از بین معیارهای مرتبط با مسکن مناسب، مقاومت بنا در برابر بلایا در اولویت اول و بهداشت محیط، مساحت و اندازه مسکن، نمای ظاهری، معماری جدید و استفاده از مصالح بومی در اولویت‌های بعدی قرار دارد.

پیشنهاد

بر اساس یافته‌های پژوهش مقاومت و استحکام مساکن در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه در برابر مخاطرات طبیعی در وضعیت مناسبی قرار ندارد در این زمینه پیشنهاد می‌شود که نظارت بیشتری در هنگام ساخت مساکن انجام گیرد.

منابع

- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۵). برنامه ریزی مسکن. تهران: انتشارات سمت،
- دریانی، مهدی (۱۳۸۴). مسکن پایدار، طراحی مجموعه مسکونی با رویکرد توسعه پایدار، پایان کارشناسی ارشد رشته معماری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین به راهنمایی دکتر مهدی زندیه
- سعیدی، غلامرضا (۱۳۸۰). ارزیابی سیاست‌های مسکن اجتماعی در برنامه دوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران به راهنمایی دکتر اسماعیل شیعه
- سلمانی، محمد، مهدی رمضان زاده لسبویی و مرتضی محمد جانی، تحلیلی بر مساکن پایدار در مناطق خشک و بیابانی ایران، مجله علمی-پژوهشی، جغرافیا، انجمن جغرافیایی ایران، ۱۲۵-۱۴۱
- عبدی قهرودی، علی محمد (۱۳۸۵). ارزیابی سیاست‌های بخش مسکن کشور با تاکید بر دوره پس از انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی به راهنمایی دکتر فرخ مشیری

قادری، جعفر(۱۳۸۱).مدل سازی مالکیت مسکن در نواحی شهری ایران، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر علی عسگری

مرکز آمار ایران(۱۳۸۵). فایل سرشماری آماری نفوس و مسکن

هادی زاده، آرش(۱۳۸۵). عوامل موثر بر تعیین رفتار شاخص قیمت مسکن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی به راهنمایی دکتر احمد جعفری صمیمی و دکتر میلا علمی

وزارت جهاد کشاورزی(۱۳۸۷). ارزیابی و توسعه راهبردی ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی روستاهای مناطق مرزی، دفتر برنامه ریزی و توسعه روستایی، جلد پنجم، استان کرمانشاه

Bonine, E Michael E(2000). Sustainable Desert Housing: From The Dwelling To The Desert Community, University of Arizonaearth: A case study from northern Cyprus

Edwards B. Towards sustainable architecture. Oxford:Butterworth Architecture, 1996.

Goldsteen JB, Elliot CD(1994),Designing America:creating urban identity. New York:Van Nostrand Reinhold, 1994.

Gondring H, Lammel E. Immobilienwirtschaft, Wiesbaden, Gabler, 2001 in german]
<http://www.conferencerecording.com/conflists/rio92.htmS>.

H.D. Tiirkoglu(1997).Residents' satisfaction of housing environments: the case ofIstanbul, Turkey, Landscape and Urban Planning 39 (1997) 55-67

Isik, Bilge and Tugsad Tulbentci(2007).Sustainable housing in island conditions using Alker-gypsum-stabilized Northern Cyprus, Building and Environment1003 – 1012,

McKinley Terry with Li Na Wang(1992).HOUSING AND WEALTH IN RURAL CHINA, China Economic Review, Volume 3, Number 2, 1992. pages 195-211

MICHELLE NORRIS and DECLAN REDMOND(2007).HOUSING CONTEMPORARY IRELAND, Published by Springer

Oktay, Derya(2001).Design with the climate in housing environments:an analysis in

Rio I, Earth Summit. United Nations conference on environment

Salmani, mohammad(2003).Desertification and regional pasture in Iran(south of dashte Kavir) science, Geography, university of cean.

Scott ,Mark(2007).Rural Housing: Politics, Public Policy and planning, springer

Tuohy, paul G(2005). sustainable housing,

UNDP Thematic Trust Funds. /<http://www.undp.org/trustfunds/S>.

Vida Maliene , Naglis Malys(2008). High-quality housing—A key issue in delivering sustainable communities, journal of Building and Environment,